

آشنایی با استانداردهای روانشناسی در ارگونومی فضاهای آموزشی رشته - های هنر (نمونه موردی دانشکده معماری، شهرسازی و هنر دانشگاه ارومیه)

علی مصیب زاده^۱، سارا والی بلوچ^۲، کمال روح پرور^۳، حمیدرضا داوود آبادی فراهانی

۱- دکتری معماری عضو هیئت علمی دانشکده معماری شهرسازی و هنر دانشگاه ارومیه، amossayeb200@gmail.com
 ۲- دانشجوی ارشد معماری دانشگاه ارومیه، sara.valibalouch@gmail.com
 ۳- دانشجوی ارشد معماری دانشگاه ارومیه، roohparvar.kamal@gmail.com
 ۴- دانشجوی ارشد معماری دانشگاه ارومیه، Hamid.farahani90@gmail.com

چکیده

علم ارگونومی علمی نسبتاً نوپاست که در چند دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته است و حوزه‌های مختلفی از علوم را شامل می‌شود. هدف اصلی این علم نه بالا بردن سود بلکه ارتقا راندمان کار، جلوگیری از آسیب‌های جسمی و روحی و خستگی‌های ناشی از کار است. این علم به سلامت افراد توجه داشته و قواعدی را برای به حداقل رساندن آسیب‌های ناشی از کار ارائه می‌دهد. روانشناسی یکی از جنبه‌های علم ارگونومی است که به نسبت نوع کار صورت گرفته در آن مکان اهمیت آن کاهش یا افزایش پیدا می‌کند. در این تحقیق قصد بر آن بوده که جنبه‌های رعایت یا عدم رعایت علم ارگونومی در دانشکده‌های هنر ایران و به صورت موردی در دانشکده معماری، شهرسازی و هنر دانشگاه ارومیه مورد بررسی قرار گیرد و نقاط قوت و ضعف را تا حدودی روشن کند. در این تحقیق از روش مطالعه میدانی و کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. در روش میدانی با حضور مداوم و مرتب در محیط مذکور به مشاهده، بررسی و مطالعه مستقیم رفتار استفاده‌کنندگان و کیفیت بهره‌برداری و درک تجربه آنان از محیط پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ارگونومی و نحوه بهره‌برداری از ابزارها و امکانات محیط مورد مطالعه از لحاظ روانشناختی در سطح کیفی مناسبی قرار نداشته و تأثیر مطلوبی بر کاربران و استفاده‌کنندگان آن ندارد.

واژه‌های کلیدی: ارگونومی، روانشناسی محیطی، سلامت روان، دانشکده هنر

۱- مقدمه و بیان مسئله پژوهش

یادگیری بخش مهمی از زندگی هر فردی می‌باشد، حتی زمانیکه به آن توجهی ندارد این عمل بصورت غیرمستقیم صورت می‌گیرد. با این تفکر که رفتار با محیط در ارتباط است، لذا راه‌های گوناگون رفتار، مرتبط با محیط کالبدی صورت می‌گیرد. ویژگی‌ها و کیفیت‌های هر کدام از عناصر کالبدی در شکل‌گیری رفتارهای مختلف مؤثر می‌باشند. محیط‌های آموزشی و دانشکده‌ها بعنوان نهادهای آموزشی و اجتماعی بوده و نمایانگر فرهنگ خاص جوامع مختلف است. که به افراد حاضر در آن محیط جهان بینی، عادات، رسوم، مهارت‌ها و دانش معینی منتقل می‌کند. "محیط‌های یادگیری قرن حاضر بیش از پیش متکی بر همکاری و یادگیری از همتایان هستند. دانشگاه‌ها نیاز بیشتری به فضاهای منعطف انفرادی و تسهیلات متناسب با شیوه‌های یادگیری متنوع دارند." ^۱

"در محیط‌های آموزشی باید شرایطی فراهم شود که مراجعه‌کنندگان و کاربران آن علاقمند به حضور بیشتر و مراجعه مجدد به آن محل شوند. لذا باید فضایی حاکم شود که کاربران، داوطلب ترک سریع‌تر محل نباشند. احساس تعلق و دلبستگی به